

۲۵۴- پس از زیارت قبر پیامبر ﷺ

روایت شده از علی بن جعفر از برادرش ابوالحسن موسی، از پدرش، از جدش علیه السلام که فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام می‌ایستاد در کنار قبر پیامبر - که درود خداوند بر او و بر خاندانش باد- پس بر آن حضرت سلام می‌کرد و گواهی می‌داد برای آن حضرت به ابلاغ رسالت، و دعا می‌کرد آنچه را می‌خواست سپس تکیه می‌داد پشتش را به سنگ سبز کم عرض نزدیک قبر و خود را به قبر می‌چسباند، و تکیه می‌داد پشت خود را به قبر و روی به قبله می‌ایستاد، و می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْبَجْتُ أَمْرِي، وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي، وَالْأَقْبَلَةَ الَّتِي رَضَيْتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمَلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا، وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ، وَلَا فَاقِرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ ارْزُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَأَرَادَ لِفَضْلِكَ.

خداوندا، امرم را به تو سپردم، و به قبر محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد بنده و فرستاده‌ات، پشت خود را محکم کرده‌ام، و قبله‌ای را که پسندیدی برای محمد - درود خدا بر او و خاندانش - پیش رو دارم، خداوندا، من صبح کردم در حالی که برای خود مالک نیستم خیر آنچه را امیدوارم، و نه دور می‌سازم از آن، شر آنچه را که از آن اجتناب می‌کنم، و کارها در دست تو قرار گرفته، و فقیری نیستم از من فقیرتر، «من به آنچه نازل کردی به سوی من از خیر، فقیرم»، خداوندا، مرا بازگردان با خیری از نزد خودت که بازگرداننده‌ای نیست برای فضل.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي، أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي، أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى، وَجَمِّلْنِي بِالنَّعْمِ، وَاعْمُرْنِي بِالعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ العَافِيَةِ.

خداوندا، همانا من به تو پناه می‌برم از اینکه نام مرا تغییر دهی، یا بدنم را دگرگون سازی، یا برطرف کنی نعمت را از من، خداوندا، مرا به تقوا زینت ده، و به نعمت‌ها زیبایم گردان، و مرا با عافیت بپوشان، و روزی‌ام ده سپاسگزاری عافیت را.